

تبیین رابطه جرایم خشونت آمیز (قتل) با تأکید بر نابرابری در توسعه اجتماعی - اقتصادی در ایران^۱

حسن‌رضا یوسفوند^۲، دکتر یعقوب احمدی^۳، دکتر علیرضا محسنی تبریزی^۴
دکتر اصغر ابوالحسنی^۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۲۸

تاریخ وصول: ۹۴/۱/۱۷

چکیده:

ایران بعنوان یکی از کشورهای در حال توسعه نابرابری‌های زیادی در بین استان‌های آن وجود دارد و اگر چه تلاش‌های بسیاری از طریق برنامه‌های مختلف توسعه برای رفع این نابرابری‌ها شده است ولی به دلایل مختلف و الگوهای نامناسب توسعه، همچنان نابرابری‌های بسیاری در بین استان‌های آن مشهود و ملموس است؛ که این امر پیامدهای مختلفی از جمله جرایم خشونت‌آمیز (قتل) را در بین استان‌ها به همراه داشته است. بر این اساس با توجه به اهمیت موضوع هدف این پژوهش جواب دادن به این سئوالات است: ۱- نابرابری در توسعه اقتصادی چه اثری بر میزان قتل در بین استان‌های ایران دارد؟ ۲- نابرابری در توسعه اجتماعی چه اثری بر میزان قتل در بین استان‌های ایران دارد؟ در این پژوهش به شیوهی تحلیل ثانویه اطلاعات مورد نظر گردآوری و با کمک نرم‌افزار SPSS و معادلات ساختاری PLS داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تحقیق توانسته‌اند ۵۳٪ از تغییرات متغیر وابسته (قتل) را در بین استان‌های ایران تبیین نمایند.

مفاهیم کلیدی: توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، جرایم خشونت‌آمیز، قتل

^۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ی دکتر حسن‌رضا یوسفوند می‌باشد.

^۲ عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول) josefvand54@gmail.com

^۳ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام‌نور yahmady2001@yahoo.com

^۴ استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران abolhasani2003@yahoo.com

^۵ دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام‌نور mohsenit@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

جرم پدیده‌ای است که در تمام جوامع گذشته و کنونی وجود داشته و دارد. با این وجود، دایمی و عمومی بودن به معنی یکسان و یک شکل بودن جرم در بین آنها نیست بلکه از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر و از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر و از زمانی به زمان دیگر تفاوت می‌کند. افزایش بی‌رویه‌ی جرایم و کجروی‌های اجتماعی امروزه به یکی از مشکلات حد در بیشتر شهرها تبدیل شده است و از مهم‌ترین مسائلی است که اکثر جوامع به آن واکنش نشان می‌دهند. تغییرات اجتماعی - اقتصادی هر چه بیشتر جوامع پیامدهای مثبت و منفی، هر دو را به همراه دارند اما پیامدهای منفی باری سنگین به دوش مسئولان هر جامعه می‌گذارند. جرم و انحرافات اجتماعی از پیامدهای منفی عمده‌ای است که بر رفاه افراد، خانواده‌ها و جوامع تأثیر بسیار می‌گذارد. هر چند که چهره‌ی جوامع امروزی بر اثر رشد و توسعه‌ی روزافزون ارتباطات، اطلاعات و صنعت تحول پیدا کرده است اما روابط افراد در چنین جوامعی با این رشد شتابان همساز نبوده و تناقضات و تضادهای مختلفی را در جامعه ایجاد نموده است. فقر و نداری، بیکاری، عدم امنیت شغلی، گسستگی و تضعیف هنجارهای اجتماعی، کاهش کنترل‌های اجتماعی و ... باعث شکل‌گیری تعارضات اجتماعی گردیده است که خود این عوامل منجر به سوق دادن و کشش فرد به سمت ناهنجاری‌ها، انحرافات اجتماعی و جرائم شده است (محسنی‌تبریزی، ۱۳۸۹: ۱۴). چگونه می‌توان علت‌های آنها را مشخص و به تبیینی جامعه‌شناسی در مورد آنها دست پیدا کرد این‌طور به نظر می‌رسد که باید علت افزایش این جرایم را در سطحی کلان و با توجه به متغیرهای که قابلیت و توان بیشتری برای تبیین اعمال خشونت‌آمیز در سطح کلان را دارند جستجو کرد. با توجه به اینکه یک جامعه نسبت به زمانی که در آن قرار گرفته و در مقایسه با جوامع دیگر در یک زمان خاص دارای سطوح توسعه‌ای متفاوتی می‌باشد، شاید یکی از دلایل جرایم خشن نابرابری‌هاست که در روند توسعه از لحاظ اجتماعی - اقتصادی در این جوامع به وجود آمده است. برخی شکل‌های توسعه ممکن است منجر به افزایش نابرابری‌های میان مناطق شوند نمی‌توان توسعه را بعنوان مفهومی بی‌طرف دید زیرا با نابرابری‌های قدرت در سطح محلی، ملی و جهانی گره خورده است (ویلیس، ۱۳۹۳: ۱۵-۵). دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی با پیدایش نابرابری‌های ناحیه‌ای در سراسر دنیا همراه بوده است. اگر چه نابرابری‌ها و توزیع نابرابر درآمد جهانی مسأله‌ای جهانی است اما وقتی این مسأله در مورد کشورهای توسعه‌نیافته مورد توجه قرار می‌گیرد از شدت بیشتری برخوردار است (ازکیا، ۱۳۷۹: ۳۷). نابرابری‌های اجتماعی منحصر به وضعیت موجود درون

یک جامعه نیست بلکه در بین جوامع مختلف نیز می‌توان جلوه‌های متفاوتی از نابرابری‌های اجتماعی را مشاهده کرد. نکته‌ی مهم این است که میان نابرابری‌های اجتماعی درون جامعه‌ای که ناشی از نحوه‌ی توزیع قدرت در داخل یک جامعه است و نابرابری‌های بین جامعه‌ای که ناشی از سطوح متفاوت توسعه‌یافتگی است، بر هم کنش‌های تشدید شونده‌ای وجود دارد. و در یک کشور یا منطقه‌ی توسعه‌نیافته، در حال توسعه یا پیشرفته، خواه از حیث میزان ثروت و خواه از حیث سطح و کیفیت زندگی تفاوت‌های زیادی میان ثروتمندان یا فقرا یا طبقات متوسط وجود دارد. از این واقعیت می‌توان این قاعده‌ی مهم را استنتاج کرد که متناسب با سطح پیشرفت بر میزان شکاف میان وضعیت‌های قطبی معرف نابرابری نیز افزوده می‌شود (زاهدی، ۱۳۸۶: ۲۴۰). الگوهای نابرابری در جهان به سه صورت نابرابری‌های منطقه‌ای، تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی میان مناطق شهری و روستایی و میزان برتری یک شهر بر ساختار شهری در سطح ملی وجود دارد. با هر مقیاسی، نابرابری‌های منطقه‌ای در جهان سوم بسیار فراوانند. بر حسب شاخص‌های اجتماعی فرهنگی (مانند مراقبت‌های پزشکی، امکانات آموزشی، فعالیت‌های صنعتی و ...) مناطق ویژه‌ای از کشورها موقعیت ممتازی نسبت به مناطق دیگر دارند و این نابرابری‌ها در کشورهای کمتر توسعه‌یافته بیشتر از کشورهای توسعه‌نیافته است (گیلبرت و گاکلر، ۱۳۷۵). این مسأله از همان ابتدا مورد توجه‌ی اندیشمندان مختلفی قرار گرفته و هر کدام از زاویه‌ای خاص به آن نگاه کرده‌اند. بعضی از جامعه‌شناسان نابرابری‌های اجتماعی را فراتر از نابرابری‌های طبقاتی می‌دانند. در سطح کلان و در بعد طولی می‌توان میزان نابرابری طولی را تا حدودی وابسته به سطح تکامل جامعه دانست، به همین دلیل هم انتظار وجود ندارد که گرایش‌ها و رفتارهایی که به نحوی با نابرابری‌های ساختاری ارتباط دارند می‌توانند تنها توسط نظریه‌های طبقه توضیح داده شوند. چلبی از نوعی از نابرابری به نام نابرابری فضایی (منطقه‌ای) که توزیع نابرابر فرصت‌ها و مواضع اجتماعی در فضا است نام می‌برد. از نظر او نابرابری فضایی یا نابرابری منطقه‌ای در هر جامعه‌ای می‌تواند جلوه‌های مختلفی به خود بگیرد. اشکال قابل رویت آن در کشورهای در حال توسعه عبارت است از: نابرابری بین شهر روستا، نابرابری بین شهرهای کوچک و بزرگ، نابرابری جغرافیایی درون شهرهایی بزرگ (شمال و جنوب)، نابرابری بین مناطق محروم و مناطق برخوردار و غیره (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۰۰-۲۰۱). در ادبیات موجود درباره‌ی نابرابری فضایی (منطقه‌ای) نظرات متفاوتی مطرح شده است. فوربز می‌گوید: مسأله‌ی منطقه‌ای، حوزه‌ی مهمی را برای مجادله و مخالفت در میان جغرافیادانان معاصر، برنامه‌ریزان منطقه‌ای، متخصصین مسائل

منطقه‌ای و دانشمندان اجتماعی بطور کلی فراهم نموده است. رهیافت‌های مختلفی در رابطه با نابرابری فضایی (منطقه‌ای وجود دارد: رهیافت نهادئین طبق این دیدگاه همراه با توسعه‌ی اقتصادی و انسجام بازارهای عوامل، نابرابری‌های منطقه‌ای کاهش می‌یابد. رهیافت نهادیون تمایل به نابرابری فضایی را ناشی از عملکرد باز سرمایه‌داری می‌داند در این زمینه استیلول استدلال می‌کند که وقتی نابرابری‌های منطقه‌ای گسترش یابند، عملکردهای بازار و حرکت سرمایه و کار بخصوص تمایل به کاهش در نابرابری‌ها ندارند به همین دلیل این دیدگاه مداخله‌ی دولت را جهت نیل به توازن منطقه‌ای را ضروری می‌داند. رهیافت دیگر انتشاریون است که معتقد به ایجاد قطب‌های رشد است. رهیافت دیگر رهیافت رادیکال است در این رهیافت سه دیدگاه هست، یکی رهیافت مارکسیستی است که به دنبال کشف قوانین حاکم بر اشکال فضایی است؛ دوم دیدگاه وابستگی است، نظریه‌پردازان این نابرابری منطقه‌ای را در کشورهای پیرامونی را در ارتباط با استعمار درونی مطرح می‌کنند که در آن مزایای اقتصادی اجتماعی با نابرابری‌های منطقه‌ای فرهنگی منطبق می‌شود و دیدگاه سوم توسعه‌ی ناموزن فضایی (منطقه‌ای) را ناشی از تقسیم فضایی یا منطقه‌ای کار می‌داند. رهیافت آخری این نظریه توسط پل کولومی (۱۹۸۵)، تدوین شده است. طبق این نظریه، تفکیک نابرابر می‌تواند به صورت نابرابری فضایی (منطقه‌ای) یا نابرابری بخشی و یا هر دو صورت تجلی یابد، به عبارت دیگر میزان و نرخ تفکیک ممکن است در عرض بخش‌های مختلف و واحدهای جغرافیای متغیر باشد (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۰۴-۲۰۱). اکثر جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر به نحوی به آثار نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، بویژه نابرابری در توزیع ثروت توجه نموده‌اند. جالب اینکه اغلب آنها با گرایش‌های نظری مختلف آثار نسبتاً یکسانی را برای جامعه پیش‌بینی کرده‌اند (دوک، ۱۹۷۶؛ کربو، ۱۹۸۳؛ کندی و دیگران، ۱۹۹۱؛ بوسول و دیکسون، ۱۹۹۳ و ...). دورکیم برای اولین بار از دو نوع نابرابری (درونی و بیرونی) نام می‌برد. منظور از نابرابری بیرونی توزیع جمعیت در مواضع مختلف اجتماعی بر اساس خصایل محولی است. هر گونه نابرابری اجتماعی که ناشی از توزیع خاص‌گرا باشد نوعی نابرابری بیرونی است (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۱۷-۱۹۵). از نظر دورکیم نابرابری بیرونی که بر اساس شرایط اجتماعی تولد بر افراد تحمیل می‌شود ریشه‌های اجتماعی جرم را به وجود می‌آورد (زارع، ۱۳۹۰: ۱۰۶). دورکیم جرم را پدیده‌ی بهنجار اجتماعی می‌شناخت و همیشه درباره‌ی ضرورت درک و تجزیه تحلیل جرم در رابطه با فرهنگ معین و در زمان و مکان، اصرار می‌ورزید و به نفس آن اعتنایی نداشت (گسن، ۱۳۸۵: ۲۴). مرتن در تداوم نظر دورکیم نوشت: فراوانی رفتار منحرف بر حسب ساختارهای اجتماعی تغییر می‌یابد و

اینکه انحرافات در تمام جوامع به یک شکل نیستند؛ بنابراین رابطه‌ای بین حجم و ساختار جرم یک جامعه از یک سو و بین سازمان و طرز کار جامعه از سوی دیگر وجود دارد بدون اینکه به جبر قاطع در آن معتقد باشد (گسن، ۱۳۸۵: ۲۴). کندی و همکاران می‌گویند که نظریه‌های نابرابری بر آثار خصایل پایگاهی تأکید دارند. مثل منزلت و درآمد، نابرابری در توزیع پاداش‌ها کنترل اجتماعی را بی‌ثبات می‌سازد و روابط بین شخصی را سست می‌نماید که سرانجام منجر به خشونت فزاینده می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۳۹۸).

مسئله نیز به تبعیت از شوارتز معتقد است که نابرابری بیشتر یک منبع تضاد است (۱۹۸۹: ۵۹۸). او همچنین فکر می‌کند که نابرابری سرانجام بین کسانی که ذی‌علاقه به کاهش آن هستند و آنهایی که نفع شخصی‌شان حفظ نابرابری را ایجاب می‌نماید شکاف تولید می‌کند، نابرابری‌ها می‌توانند از طریق ایجاد تضاد توزیعی تبدیل به خصومت کلی و انتشاری شوند و به شکل جرم و جنایت تجلی نمایند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۰۵). این امر فشار ساختاری ایجاد می‌کند که نتیجه‌ی آن فراهم آوردن تمایل به تولید خشم و خشونت انتشاری است که نتیجه‌ی عوامل نابسامانی اجتماعی و توزیع نابرابری ساختاری در بین مناطق یک کشور است (زارع، ۱۳۹۰: ۱۰۶). مهم‌ترین اثر بالقوه‌ی نابرابری ثروت که بیشتر نظریه‌ها به آن توجه دارند، خشونت و شورش است. با توجه به نظرات گفته شده می‌توان گفت بخشی از جرایم ناشی از نابرابری در ابعاد اقتصادی و اجتماعی توسعه هست و این رابطه به لحاظ منطقی، قابل استنتاج و در تعدادی از پژوهش‌ها در کشورهای مختلف در سطح جهان اثبات شده است. لندن و رایبسون در یک مطالعه‌ی عرضی بین کشورها با حجم بین ۴۶-۵۱ کشور، دو عامل خارجی و داخلی را مسئول خشونت می‌دانند؛ یکی عامل وابستگی و دیگری نابرابری درآمد، یافته‌ای که نتیجه‌ی مولر را تأیید می‌نماید (لندن و رایبسون، ۱۹۸۹: ۳۰۶). در یک تحقیق تجربی دیگر، کندی و همکاران، اثر نابسامانی اجتماعی و نابرابری اقتصادی بر یک نوع از خشونت انتشاری یعنی دگرکشی در مناطق شهری کانادا توجه دارند، آنها در نتیجه‌گیری خود این چنین گزارش می‌کنند که: این مطالعه دریافت که تغییرات منطقه‌ای در نرخ دگرکشی نتیجه‌ی عوامل نابسامانی اجتماعی و توزیع نابرابری ساختاری در کانادا است (کندی و همکاران، ۱۹۹۱: ۴۰۶). تقریباً اکثر پژوهش‌های تجربی با دیدگاه‌های نظری متفاوت کم و بیش به این واقعیت اشاره دارند که نابرابری در ثروت مادی بویژه نابرابری در درآمد می‌تواند موجبات تضاد توزیعی را در جامعه فراهم نماید که یکی از شکل‌های ظاهر شدن آن تضاد به صورت تضاد انتشاری (کلی و غیر مشخص) مانند جرح و قتل و آدم‌کشی می‌باشد (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۱۰). توجه به

نابرابری‌های منطقه‌ای مد نظر دیگر اندیشمندان توسعه در داخل کشور قرار گرفته است که اعتقاد دارند تفاوت‌ها و نابرابری‌های منطقه‌ای به شکلی نگران‌کننده در حال افزایش است. مطالعات و بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد که اقتصاد کشور بنا به علل گوناگون، از عدم تعادل‌های زیادی رنج می‌برد. در تمام کشور تفاوت‌های زیادی در روند توسعه در مناطق مختلف کشور وجود دارد، چنین امری، منشأ اثرات سوئی همچون: افزایش نابرابری اجتماعی، طبقاتی شدن جامعه، گسترش فقر، محرومیت و بیکاری شده است (ابوالحسنی، ۱۳۸۰: ۱۴۷). ایران از جمله کشورهایی است که وسعت بسیاری دارد و مناطق شهری در نقاط مختلف این پهنه‌ی جغرافیایی گسترده شده‌اند، به دلیل وسعت بسیار و همچنین بافت متفاوت فرهنگی - اجتماعی، استان‌های ایران به لحاظ اقتصادی و شاخص‌های توسعه‌ی انسانی، در دسته‌ها و رتبه‌های مختلفی قرار می‌گیرند (احمدی، ۱۳۹۱: ۴). اختلاف آشکار در سطح توسعه و بطور خاص توسعه‌ی صنعتی نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که اعمال سیاست‌های اقتصادی در بعد ملی و منطقه‌ای توسعه‌ای نابرابر را در کشور به وجود آورده است. بر اساس پژوهش‌های انجام شده (زیاری ۱۳۸۹؛ قنبری، ۱۳۹۰؛ آهنگری، ۱۳۸۵؛ تقوایی، ۱۳۹۰) ایران از لحاظ سطوح مختلف توسعه به مناطقی از قبیل "استان‌های برخوردار، نیمه‌ی برخوردار، محروم و محروم‌تر" تقسیم می‌شود (زینلزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۶). بر این اساس در ایران نیز آمارهای ارائه شده از طریق مراکز رسمی نه تنها بیانگر این است که آسیب‌های اجتماعی سال به سال در کشور افزایش پیدا می‌کند بلکه برخی استان‌های توسعه‌نیافته رتبه‌ی نخست را به خود اختصاص داده‌اند (زارع، ۱۳۹۰: ۹۹). کارنامه‌ی واقعی فرآیند توسعه‌جویی و نوسازی‌خواهی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران) بازگویی تشدید فواصل طبقاتی - افزایش فقر - کاهش امنیت غذایی عمومی - افزایش شدید جرایم خشن - گسترش جباریت، سلطه‌جویی حکومت‌ها، کاهش آزادی و انزوا بخش مهمی از جمعیت و گروه‌های اجتماعی بخصوص گروه‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر از فرآیند تولید است (زاهدی، ۱۳۸۳: ۲۸۳-۲۸۲). رفیع‌پور (۱۳۸۰)، در کتاب توسعه و تضاد نابرابری را یکی از علل افزایش جرم در ایران می‌داند. تعادل برقرار کردن بین این مقولات و اختصاص متوازن منابع و بودجه بین پیشگیری، کنترل، مجازات، و بحث عدالت و توسعه و ارتباطش با جرم، از چالش‌هایی است که سیاست‌گذاران همواره با آن مواجه‌اند (روشن‌فکر، ۱۳۹۱). در کشور ایران علیرغم تلاش‌های زیادی که در امر توسعه‌ای کشور شده است ولی نرخ جرایم بطور عام و نرخ جرایم همراه با خشونت بطور خاص روز به روز افزایش پیدا کرده است. حال سؤالاتی که

مطرح می‌شود این است که علت افزایش این انحرافات و جرایم به طور عام و جرایم خشونت‌آمیز به طور خاص چیست؟ چه عواملی باعث عدم موفقیت تلاش‌ها و افزایش جرایم در کشور شده است؟ آیا توزیع نابرابر امکانات و نابرابری‌های از لحاظ اقتصادی و اجتماعی در مناطق مختلف کشور باعث به وجود آمدن انحرافات از جمله جرایم خشن (قتل) در کشور شده است؟ آیا با توجه به سطوح توسعه‌ای متفاوت که به موجب آن تقسیم بندی‌های مختلفی از استان‌ها صورت گرفته است و با توجه به عوامل ساختاری سطح کلان می‌توان روند رو به زیاد جرایم خشونت‌آمیز (قتل) را در بین استان‌ها کشور تبیین نمود؟

هدف اصلی پژوهش

- ۱- تبیین رابطه‌ی قتل بر حسب میزان نابرابری در توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی در ایران.
- ۲- تبیین رابطه‌ی قتل بر حسب میزان تفاوت‌های منطقه‌ای در توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی در ایران.

هدف فرعی پژوهش

- تبیین رابطه‌ی قتل بر حسب میزان نابرابری در توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی در بین استان‌های ایران.

سؤال اصلی پژوهش

- ۱- آیا بین میزان نابرابری در توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی و میزان قتل در بین استان‌ها رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا نرخ قتل بر حسب میزان سطوح توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی استان‌ها با هم متفاوت است؟

سؤال ویژه پژوهش

- آیا بین میزان نابرابری در توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی و میزان قتل در بین استان‌ها رابطه وجود دارد؟

مروری بر مفهوم نابرابری و تحقیقات انجام گرفته در زمینه نابرابری و جرم

نابرابری اجتماعی اشاره به شرایطی دارد که افراد دسترسی نابرابری به منابع ارزشمند، خدمات و موقعیت‌ها در جامعه دارند. چنین تلقی از نابرابری می‌تواند بر حسب چگونگی ارزیابی و رتبه‌بندی افراد و گروه‌ها توسط دیگران، لحاظ شود، اما مهم‌ترین وجه آن این است که نابرابری اجتماعی مرتبط با موقعیت‌های متفاوت در درون یک ساختار اجتماعی است (کریو، ۲۰۰۳: ۱۱)؛ لذا می‌توان انتظار داشت نابرابری ربط مستقیمی با توسعه اقتصادی داشته باشد، زیرا توسعه‌ی پیامد انباشت ثروت (مازاد تولید) و حاصل افزایش ظرفیت‌های استفاده از منابع به مدد تکنولوژی بوده و نحوه‌ی توزیع مازاد مسئله‌ی دسترسی به قدرت را مطرح می‌سازد؛ بنابراین سه مفهوم توسعه‌ی اقتصادی، سیاسی و نابرابری‌های اجتماعی مفاهیمی کاملاً مرتبط و درهم تنیده تلقی می‌شوند که تأثیرات متقابلی بر یکدیگر دارند (مظلوم خراسانی، عظیمی، ۱۳۹۰: ۱۱). نابرابری اجتماعی دارای دلالت‌های حقوقی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی می‌باشند و از آنجا که در زمینه‌ی خصوصیات این دلالت‌ها توافق وجود ندارد این امر نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که تفاوت‌ها موجد نابرابری، اساساً دارای تعیین تاریخی - مکانی و قومی - فرهنگی می‌باشند (زاهدی، ۱۳۸۶: ۴۰-۳۹).

در زمینه‌ی رابطه‌ی بین نابرابری و جرم در سطح کلان تحقیقات بسیاری صورت گرفته است که در برخی از آنها به نقش نابرابری اقتصادی و اجتماعی در بروز و ظهور جرایم پرداخته شده است. جان آرتور در مقاله‌ای تحت عنوان توسعه و جنایت در آفریقا (آزمون تئوری نوسازی) چنین نتیجه می‌گیرد که تأثیر توسعه بر جرائم و میزان آن فقط برای جرائمی که دارای ارزش کمتری به لحاظ مادی بودند مثبت بوده است (به نقل از محسنی تبریزی و فرامرزی، ۱۳۹۱: ۳۹). در این قسمت به نتایج تعدادی از مطالعات انجام شده در رابطه‌ی بین نابرابری و جرایم خشونت‌آمیز در جدول ۱ اشاره می‌شود.

جدول ۱: نتایج مطالعات در رابطه‌ی بین نابرابری و جرایم خشونت‌آمیز

صاحب‌نظر	سال	کشور	نتیجه
دومیترو	۲۰۱۲	رومانی	تأثیر بیکاری بر روی ارتکاب جرم مثبت و تأثیر میزان دانش‌آموزان مدرسه‌ای در این پدیده منفی بوده است
آلتینداگ	۲۰۱۱	اروپا	اثر بیکاری بر پدیده‌ی جرم به ویژه جرایم علیه اموال بطور معناداری مثبت است
دانگشو و ژونگ مین	۲۰۱۲	انگلستان و ولز	رابطه‌ی بین بیکاری و نابرابری درآمدی را قویاً اثبات نموده و نتیجه می‌گیرد که ارتکاب جرم ذاتاً و در سطح کلان اقتصادی یک پدیده‌ی اقتصادی می‌باشد و برای مبارزه با آن رفع معضلات اقتصادی در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد
لی	۲۰۰۹	چین	که نرخ بیکاری همواره اثر مثبت بر جرم نداشته و تنها زمانی که شدت مجازات از یک حد آستانه‌ای فراتر رود این اثر ظاهر می‌گردد. او همچنین نتیجه گرفته است پرداخت بیمه‌ی بیکاری تأثیر چندانی بر کاهش ارتکاب جرم نخواهد داشت
فوگره، پوگت و کرامرز	۲۰۰۹	فرانسه	رابطه‌ی بین بیکاری کل و بیکاری جوانان با ارتکاب جرم مثبت بوده و مطابق انتظار بیکاری جوانان تأثیر به مراتب شدیدتری بر نرخ ارتکاب جرم دارد
دانیل لدرمان و همکارانش	۲۰۰۰	کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه	رکود و کساد اقتصادی منجر به افزایش جرم می‌شود. جرم به ویژه قتل عمد با افزایش سطح دستمزدها و فرصت‌های شغلی منجر به کاهش فعالیت‌های مجرمانه می‌شود
مسعود چلبی و محمد مبارکی	۱۳۸۴	ایران و جهان	نتایج و یافته‌ها نشان می‌دهند که هم در سطح کلان و هم در سطح خرد بین سرمایه‌ی اجتماعی و جرم رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد
بیژن زارع و علی‌اکبر زندی لک	۱۳۹۰	ایران	رابطه‌ی مثبت و نسبتاً ضعیفی بین توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و ابعاد آن با میزان جرائم خشن در بین استان‌ها وجود دارد، اما زمانی که هر کدام از اجزای تشکیل‌دهنده‌ی شاخص جرائم خشن (قتل، ضرب و جرح، نزاع‌های دسته-جمعی) با توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و ابعاد آن در رابطه گذاشته شدند، مشاهده شد که فقط قتل (که ۲/۲ درصد از کل شاخص جرائم خشن را در برمی‌گیرد) رابطه‌ی معکوسی با توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و ابعاد آن دارد
سید حسین سراج‌زاده و افروز نوربخش	۱۳۸۷	ایران	بین توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی و مشارکت و نسبت جرم زنان رابطه‌ی منفی وجود دارد، جرم زنان در استان‌های دارای سطح توسعه‌ی پایین کمتر از بقیه‌ی استان‌ها است و رابطه‌ی مثبت ضعیفی بین این متغیرها وجود دارد
علیرضا محسنی تبریزی و مهدی سلیمانی	۱۳۸۹	ایران	بین تغییرات بیکاری، اشتغال، افزایش جمعیت، شهرنشینی، مهاجرت، طلاق و سواد با میزان جرایم در طی سال‌های ۷۵ تا ۸۵ همبستگی وجود دارد

مبانی و چارچوب نظری تحقیق

با توجه ماهیت تحقیق در این پژوهش از چند نوع نظریه استفاده شده است دسته‌ی اول صاحب‌نظرانی است که بطور کلی به بررسی توسعه و پیامدهای آن توجه کرده‌اند دسته‌ی دوم متفکرانی که به پیامدهای نابرابری و آسیب‌های را که از این طریق متوجه جامعه می‌شود، دسته‌ی سوم اندیشمندانی که بطور کلی به مطالعه‌ی پیامدهای نابرابری و جرایم خشونت‌آمیز پرداخته‌اند و دسته‌ی چهارم جامعه‌شناسان و جرم‌شناسانی که بطور مشخص بر یک جرم خاص خشن تمرکز کرده بعنوان مثال مسنر در بعضی از مطالعات خود بطور خاص به بررسی رابطه‌ی بین نابرابری و قتل پرداخته است.

بر این اساس الگوی نظری تحقیق بر الگوی تلفیقی استوار است. اندیشه‌ی محوری الگوی مزبور این است که سطوح توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی هر دو از عوامل تعیین‌کننده‌ی نابرابری‌های اجتماعی هستند. با توجه به چارچوب نظری بیان شده، وجه اشتراک همه‌ی آنها توجه به نابرابری‌ها و پیامدهای نابرابری است. طبق نظریه‌های مطرح شده، نابرابری‌های موجود میان نواحی و گروه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند آسیب‌زا باشد، هر کدام از صاحب‌نظران مطرح شده در این بخش پیامدهای نابرابری را که به جرایم منجر می‌شود به تفصیل بیان نموده‌اند. در مجموع می‌توان با الهام از این نظریه‌ها به چارچوب تبیینی مناسبی دست پیدا کرد.

جدول ۲: نظریه‌های تبیین‌کننده‌ی جرایم خشونت‌آمیز کلان

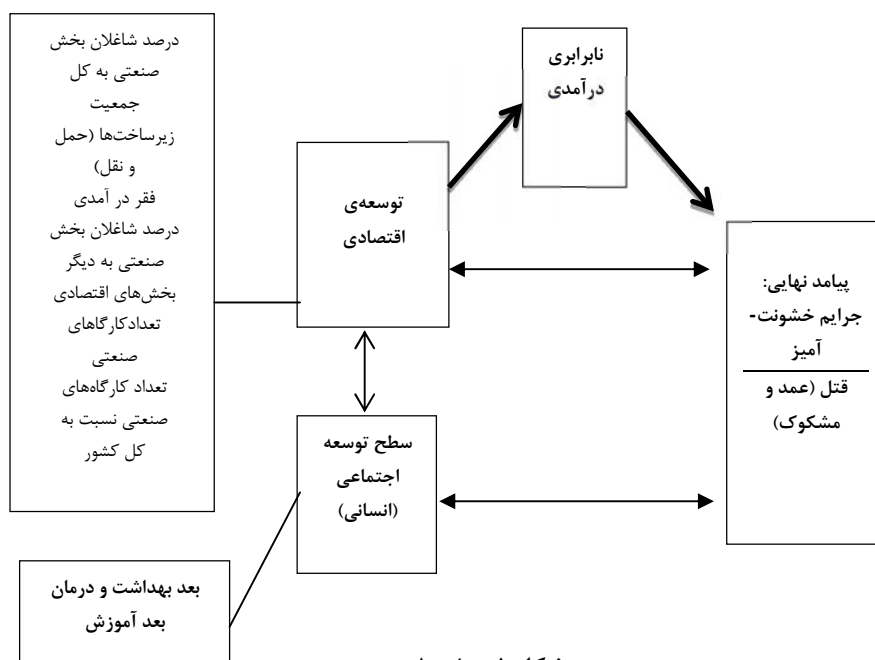
صاحب‌نظر	سال	نظریه	تبیین‌کننده
ژان دولارد	(جوزف روسک و رولند وارن، ۱۳۵۵: ۱۸۲-۱۸۱)	۱- رفتار خشونت‌آمیز انسان اساساً واکنش در مقابل محرومیت است ۲- برای کاهش بزهکاری، تغییر شرایط زندگی و تغییر نظام رایج اجتماعی یک امر ضروری است. ۳- محرومیت ناشی از فقر عکس‌العمل‌های خشن و تند ضد اجتماعی را تحریک می‌کند، فقر، ترس از کیفر را به حداقل می‌رساند و آدم فقیر وسایلی برای رفع نیازهای اولیه‌ی خود و توانایی پرداخت غرامت-های ناشی از جرائم را ندارد. آدم فقیر مسئولیت عمل ضد اجتماعی را متوجه‌ی بی‌سامانی اجتماع خود می‌داند	جرایم به طور کلی (در پژوهش‌هایی که متغیر مستقل فقر و محرومیت دارد)
رکلس	(ساموئل کینگ، ۱۳۵۵: ۵۴۱)	جوامعی که در آنها بزه و جنایت بیشتر است دارای خصوصیات زیر می‌باشند: ۱- با سایر جوامع ارتباطشان خیلی زیاد است، مهاجرت زیادی در جامعه جریان دارد و فرهنگشان در حال تغییر دائمی است و جامعه در حال تحول می‌باشد ۲- اختلاف نژادی زیاد است ۳- بحران‌های اقتصادی وجود دارد و اختلاف طبقاتی شدید است و طبقات اجتماعی به شکل هرم‌سنی است که در آن بخش زیادی از جمعیت در زیر هرم واقع است و شامل طبقات پائین از نظر اقتصادی است	جرایم به طور کلی (در پژوهش‌هایی که متغیر مستقل مهاجرت دارد)
هنری و شرت (۱۹۵۴)	(صدیق سروستانی ۱۳۸۹: ۱۴۲-۱۴۱)	قتل می‌تواند پیامد ناکامی باشد افرادی که دچار ناکامی شده‌اند اگر محدودیت بیرونی ضعیفی را تجزیه کرده باشند کنش پرخاشگرانه خودگرا (درون‌گرا) یعنی خودکشی و اگر از محدودیت بیرونی قوی رنج کشیده باشد کنش پرخاشگرانه دیگرگرا (برون‌گرا) یعنی دیگرکشی را انتخاب می‌کنند. محدودیت بیرونی مقدار کنترل اجتماعی که بر افراد تحمیل می‌شود تا آزادی و دامنه‌ی رفتار آنها را محدود سازد	قتل همچنین (در پژوهش‌هایی که متغیر مستقل آن فقر، بیکاری و محرومیت باشد)

ادامه‌ی جدول ۲

	خرده فرهنگ خشونت با تبلیغ این موضوع که با توسل به خشونت می‌توان مسأله را حل کرد، به ویژه در بین آنان که از مسائل ساختاری فقر و نابرابری رنج می‌کشند، مشوق آدم-کشی است ولو اینکه علت آن نباشد	خرده فرهنگ خشونت		
در پژوهش‌های که متغیر مستقل نابرابری باشد	فراوانی رفتار منحرف بر حسب ساختارهای اجتماعی تغییر می‌یابد و اینکه انحرافات در تمام جوامع به یک شکل نیستند؛ بنابراین رابطه‌ای از یک‌سو بین حجم و ساختار جرم یک جامعه واز سوی دیگر بین سازمان و طرز کار جامعه وجود دارد بدون اینکه به جبر قاطع در آن معتقد باشد		۲۴: ۱۳۸۵	مرتن
در پژوهش‌های که متغیر مستقل نابرابری باشد	نظریه‌های نابرابری بر آثار خصایل پایگاهی تأکید دارند، مثل منزلت و درآمد، نابرابری در توزیع پاداش‌ها که کنترل اجتماعی را بی‌ثبات می‌سازد و روابط بین شخصی را سست می‌نماید که سرانجام منجر به خشونت فزاینده می‌شود		(۳۹۸، ۱۹۹۱)	کندی و همکاران
در پژوهش‌های که متغیر مستقل نابرابری باشد	نیز به تبعیت از شوارتز معتقد است که نابرابری بیشتر یک منبع تضاد است. او همچنین فکر می‌کند که نابرابری سرانجام بین کسانی که ذی‌علاقه به کاهش آن هستند و آنهایی که نفع شخصی‌شان حفظ نابرابری را ایجاب می‌نماید شکاف تولید می‌کند، نابرابری‌ها می‌توانند از طریق ایجاد تضاد توزیعی تبدیل به خصومت کلی و انتشاری شوند و به شکل جرم و جنایت تجلی نمایند این امر فشار ساختاری ایجاد می‌کند که نتیجه‌ی آن فراهم آوردن تمایل به تولید خشم و خشونت انتشاری است که نتیجه‌ی عوامل نابسامانی اجتماعی و توزیع نابرابری ساختاری در بین مناطق یک کشور است		(۵۹۸، ۱۹۸۹)	مسنر
در پژوهش‌های که متغیر مستقل نابرابری باشد	تمامی نابرابری‌های بیرونی انسجام ارگانیک را به مخاطره می‌اندازد		(نقل از لوکس، ۱۹۷۷: ۱۷۴)	دورکیم
در پژوهش‌های که متغیر مستقل نابرابری باشد	دو منبع عمده‌ی تضاد بین شخصی را در جامعه از هم تمیز می‌دهند: برجستگی درون‌گروهی مازاد که در نظام ارزشی ویژه گروه عموماً ریشه دارد و نابرابری که با پارامترهای ترتیبی (منابع ارزشمند) همبسته است		(مسنر ۱۹۸۹)	بلا و شوارتز

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بین تغییرات در میزان نابرابری در ابعاد توسعه‌ی اقتصادی (نابرابری درآمدی، نرخ بیکاری، صنعتی شدن) و میزان قتل رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین تغییرات در میزان نابرابری در ابعاد توسعه‌ی اجتماعی (بیمه‌های اجتماعی امید به زندگی) و تغییرات در میزان قتل در بین استان‌ها رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد نابرابری در توزیع منابع (اقتصادی و اجتماعی) رابطه‌ی مثبت با قتل دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین تغییرات در جمعیت استان‌ها و تغییرات در میزان قتل در بین استان‌ها رابطه وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین تغییرات در تراکم جمعیت و تغییرات در میزان قتل در بین استان‌ها رابطه وجود دارد.



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

هر چند از لحاظ مفهومی، تفکیک بین ابعاد توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی از یکدیگر کار بسیار مشکلی است، در بسیاری از موارد صاحب‌نظران، معرف‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی را یکسان بکار برده‌اند و بین توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی تمایزی قابل نشده‌اند؛ برای نمونه، لیبست در رابطه با مفهوم توسعه‌ی اقتصادی شاخص‌های مختلفی به کار می‌برد از جمله ثروت، توسعه‌ی صنعتی، توسعه‌ی شهرنشینی و تحصیلات (شیرزادی، ۱۳۹۳: ۷۷)؛ اما در این پژوهش به لحاظ تحلیلی شاخص‌های توسعه به دو بُعد اقتصادی و اجتماعی تقسیم و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

متغیرهای پژوهش، با استفاده از مطالعات و پژوهش‌های انجام یافته، تعریف عملیاتی شده و با شاخص‌سازی و استفاده از معرف‌هایی چند، سنجش و اندازه‌گیری شده است. اعم تحقیقاتی که از شاخص‌های عملیاتی آنان استفاده شده است عبارت‌اند از: فوگوی و همکارانش (۲۰۰۳)، نیلسون و آگیل (۲۰۰۳)، سیمپسون (۱۹۹۰)، کلی (۲۰۰۰)، مسنر (۱۹۸۹)، چلبی (۱۳۸۴)، محسنی‌تبریزی (۱۳۸۹)، سراج‌زاده (۱۳۸۷)، آزادارمکی (۱۳۹۳)، لیبست، جرالدمایر، جاناتان لمکو، پیت، قره‌باغیان، سیرز، مک‌لوپ، مسنر، بلاو، جرج ولد و سن. هر کدام از این صاحب‌نظران ابعادی از این شاخص‌ها را برای سنجش میزان جرایم و سنجش توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی پژوهش یا پیشنهاد داده‌اند.

۱- هدف پژوهش: از نظر هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی و از نظر ماهیتی، از نوع پیمایشی - توصیفی و از نظر زمان، طولی بود. هدف این پژوهش، سنجش نابرابری‌های بین استانی در ایران بود؛ برای تحلیل نابرابری در توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی و رتبه‌بندی استان‌ها، ابتدا داده‌های مورد نیاز بر اساس اطلاعات سال‌های ۱۳۸۹ استخراج شد. سپس به بررسی و رتبه‌بندی استان‌های کشور از لحاظ دسترسی به شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی پرداخته شد و در نهایت ارتباط نابرابری با قتل در بین استان‌های کشور مورد آزمون قرار گرفت.

۲- واحد تحلیل: واحد تحلیل پژوهش، استان یا واحدهای سیاسی جغرافیایی می‌باشد. قلمرو موضوعی نابرابری در توسعه‌ی (اجتماعی - اقتصادی) و رابطه‌ی آن با جرایم خشونت‌آمیز (قتل) خواهد بود. به عبارتی دیگر متغیرهای پژوهش، صفات استان‌هاست. منظور از قتل، جان کسی را عمداً یا سهواً و بطور غیر قانونی گرفتن می‌باشد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۹: ۹۰). بطورکلی، قتل به دو دسته عمد و غیر عمد تقسیم‌بندی می‌گردد. البته نوع سومی که به آن قتل شبه عمد گفته می‌شود نیز وجود دارد. تفاوت اساسی این

دو دسته قتل عمد و غیر عمد در هدف و نیت عامل یا عاملان آن است. در قتل عمد قاتل با هدف قبلی قصد کشتن مقتول را دارد اما در قتل غیر عمد کشتن انسان بدون قصد و اراده و ناشی از عدم مهارت، عدم دقت، غفلت و عدم رعایت مقررات یا قتل ناشی از عدم مهارت یا تصادف می‌باشد.

۳- *سطح تحلیل*: در این پژوهش بیشتر میزان‌ها و متغیرهای مربوط به نهادها و ساختارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی استان‌ها و صفات آنها مدنظر بوده و مسائل در سطح کلان (و در بین استان‌ها) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۴- *سطح مشاهده*: در تعیین سطح مشاهده، ما به این پرسش پاسخ داده‌ایم که متغیرهای مورد بررسی صفات چه چیز یا چه کسانی هستند؟ آیا صفات فرد یا گروه هستند یا استان‌ها. برای نمونه، نابرابری درآمد فارغ از بود یا نبود آن صفت استان می‌باشد و منتسب به آن است یا بیکاری و ...؛ بنابراین در این پژوهش سطح مشاهده نیز سطح (استان) می‌باشد.

۵- *ابزار جمع‌آوری اطلاعات*: برای تهیه‌ی پیشینه و ادبیات نظری این تحقیق، مستندات کتابخانه‌ای و اینترنتی بود و از اسناد و مدارک برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. این اسناد و مدارک مربوط به مراجع و منابع رسمی کشور و در رأس آن‌ها مرکز آمار ایران و مرکز تحقیقات ناجا بعنوان مرجع رسمی اطلاعات کشور بود که برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط، از آن‌ها استفاده شد.

۵- *روایی و پایایی*: با بررسی منابع و آثار علمی و پژوهشی داخلی در مورد شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی مشخص شد شاخص‌های انتخاب‌شده برای اندازه‌گیری سطح توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی و شناخت نابرابری‌های بین استان‌ها یکسان نمی‌باشد؛ همین امر باعث شده است که در بسیاری از موارد با رتبه‌بندی‌های گاه متفاوت و متضاد از استان‌ها از سوی پژوهشگران روبرو شویم. با آگاهی به مسئله و برای رفع آن در این پژوهش با مراجعه به صاحب‌نظران توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی و نظریه‌های مختلف در زمینه‌ی توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی تعداد ۶۱ معرف توسعه (در هشت بُعد اجتماعی و اقتصادی) مشخص انتخاب شد. برای بررسی اینکه شاخص‌های مورد استفاده در هر بخش تا چه حد بعنوان یک معرف مناسب هستند و در عمل می‌توان از آنها برای سنجش توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی از آنان بهره گرفت، از آماره‌ی ضریب تغییرات استفاده شد.

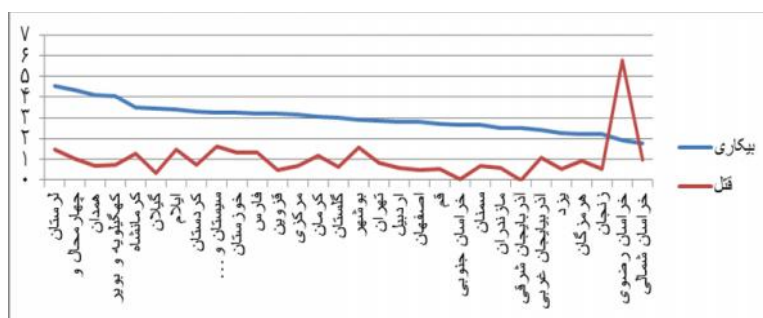
۶- جامعه‌ی آماری، شیوه‌ی گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها: جامعه‌ی آماری در این پژوهش در سطح ملی کل استان‌های کشور است که تعداد ۳۰ استان می‌باشد. داده‌های مورد نیاز جرم از سازمان ناجا و داده‌های مورد نیاز بخش توسعه از سازمان‌های مختلف، وزارت کشور، مرکز آمار ایران و استانداری اصفهان گردآوری شده است و داده‌های پژوهش با نرم‌افزار SPSS و نرم‌افزارهای مدل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج و یافته‌های پژوهش

در این پژوهش به دنبال ارتباط بین نابرابری در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و جرایم خشونت‌آمیز (قتل عمد و مشکوک) در بین استان‌های ایران هستیم با توجه به اطلاعات آماری که در این زمینه در ایران وجود داشت برای تبیین رابطه استفاده شد. با توجه به ماهیت کمی روش مورد استفاده در پژوهش از تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری و سالنامه‌های آماری و همچنین از آمارهای نیروی انتظامی در مورد استان‌ها در ارتباط با جرائم خشونت‌آمیز (قتل) استفاده شده است. با اذعان به محدودیت‌های تحلیل ثانویه در بخش کمی، نهایت سعی شده برای درک صحیحی از رابطه‌ی بین متغیرها از مدل معادلات ساختاری استفاده شود. توضیح اینکه استان آذربایجان شرقی در آمار ارائه شده به نیروی انتظامی در قتل عمد فاقد آمار بود.

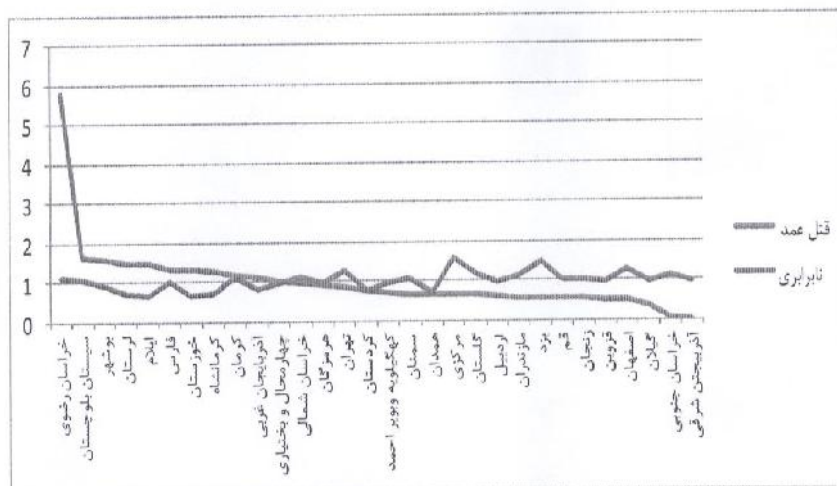
جدول ۳: میزان قتل (عمد، غیر عمد و مشکوک)

استان	قتل مشکوک	قتل غیرعمد	قتل عمد	استان	قتل مشکوک	قتل غیرعمد	قتل عمد	استان	قتل مشکوک	قتل غیرعمد	قتل عمد
آذربایجان شرقی	۶/۴۵	۰/۲۲	-	خراسان شمالی	۱۲/۰۰	۰/۰۰	۳/۱۵	کرمانشاه	۶/۹۸	۰/۰۰	۴/۱۲
آذربایجان غربی	۵/۹۸	۱/۱۵	۱/۱۵	خوزستان	۰/۰۰	۰/۰۰	۴/۱۹	کهگیلویه	۰/۱۵	۰/۰۰	۲/۳۰
اردبیل	۱۰/۲۸	۰/۰۸	۱/۸۶	زنجان	۵/۲۴	۰/۱۰	۱/۷۵	گلستان	۰/۰۰	۰/۴۸	۲/۰۶
اصفهان	۱۶/۵۰	۰/۳۸	۱/۵۶	سمنان	۲۱/۵۸	۰/۱۶	۲/۱۴	گیلان	۱۳/۰۶	۰/۰۰	۱/۰۷
ایلام	۱/۴۴	۰/۰۰	۴/۶۸	سیستان	۷/۷۵	۰/۰۸	۵/۱۸	لرستان	۶/۹۷	۲/۱۳	۴/۷۸
بوشهر	۱۶/۳۹	۲۲/۵۱	۵/۰۳	فارس	۲/۶۲	۰/۴۱	۴/۲۰	مازندران	۱۸/۲۰	۰/۰۰	۱/۸۱
تهران	۴۴/۹۴	۰/۲۳	۲/۶۹	قزوین	۷/۷۳	۱/۲۷	۱/۱۶	مرکزی	۱۳/۱۳	۰/۱۵	۲/۱۲
چهارمحال	۱۶/۵۷	۰/۱۱	۳/۳۱	قم	۳۸/۹۱	۰/۰۰	۱/۷۵	هرمزگان	۳۶/۵۳	۰/۳۴	۲/۹۷
خراسان رضوی	۶۴/۱۸	۰/۶۱	۱۸/۶۰	کردستان	۱۱/۰۸	۰/۲۱	۲/۳۴	همدان	۰/۰۰	۰/۱۲	۲/۱۲
خراسان جنوبی	۶۴/۱۸	۰/۶۱	۱۸/۶۰		۱۱/۰۸	۰/۲۱	۲/۳۴		۰/۰۰	۰/۱۲	۲/۱۲



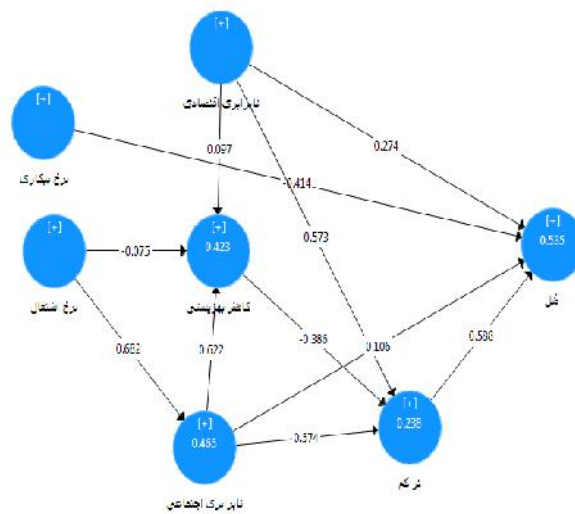
نمودار ۱: قتل و بیکاری

نمودار ۱ نشان می‌دهد که استان‌های که جز استان‌های فقیر (محروم) می‌باشند تقریباً همان استان‌های هستند که نرخ بالایی در میزان بیکاری دارند بعبارت دیگر رتبه‌های اولی بیکاری را در ایران دارا می‌باشند؛ این استان‌ها عبارتند: استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری، همدان، کهگیلویه و بویر احمد و کرمانشاه بجز استان خراسان رضوی که از لحاظ میزان بیکاری کمترین میزان بیکاری را دارد و نرخ قتل زیاد، دیگر استان‌های ایران که جز استان‌های محروم هستند قتل عمد بیشتری دارند.



نمودار ۲: قتل و نابرابری

بر اساس آمار ارائه شده در زمینه‌ی رابطه‌ی نابرابری و قتل که نتایج آن در نمودار ۲ نشان داده شده است؛ تعدادی از استان‌های که جز استان‌های فقیر (محروم) می‌باشند کمترین میزان نابرابری را دارا می‌باشند؛ اما نرخ بالایی در میزان قتل را به خود اختصاص داده‌اند به استثناء خراسان رضوی شاید به خاطر مهاجرپذیری خارجی تقریباً اکثر استان‌های محروم به ترتیب استان‌های سیستان و بلوچستان، بوشهر، لرستان، ایلام، فارس، خوزستان، کرمانشاه، کرمان، آذربایجان غربی، چهارمحال و بختیاری خراسان شمالی و هرمزگان بالاترین میزان قتل در بین استان‌های کشور دارند؛ البته به استثناء استان‌های گلستان و کردستان تقریباً هستند استان‌هایی که دارای ویژگی‌های خاص فرهنگی می‌باشند و تقریباً نابرابری کمتری دارند، بیشترین میزان قتل دارند. در اینجا دو نکته قابل ذکر است یکی اینکه توسعه با نابرابری همراه است و نکته‌ی دومی اینکه بنظر می‌رسد الگوی قتل در ایران به عوامل دیگری از جمله عوامل فرهنگی ارتباط دارد شاید از این طریق بتوان به تبیین بهتری از الگوی قتل در ایران دست پیدا کرد.



شکل ۲: مدل ساختاری رابطه‌ی بین نابرابری در توسعه و قتل

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین نابرابری در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و قتل رابطه وجود دارد. یافته‌های مدل تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تحقیق توانسه‌اند ۵۳٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند. بیشترین اثر در این مدل متغیر

تراکم با ضریب مسیر ۰/۵۸ می‌باشد البته متغیر تراکم خود تحت تأثیر متغیرهای دیگر از قبیل نابرابری اجتماعی و اقتصادی و کاهش بهزیستی در بین استان‌های کشور می‌باشد که به صورت مهاجرت از استان‌های کمتر توسعه‌یافته به سوی استان‌های برخوردار جریان دارد. سهم نابرابری در توسعه‌ی اقتصادی با ضریب مسیر ۰/۲۷ درصد در تبیین قتل می‌باشد. نابرابری‌های اقتصادی بین استانی رابطه‌ی مثبتی با قتل دارند یعنی هر چه نابرابری اقتصادی افزایش یابد نرخ قتل افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد نرخ قتل به عوامل دیگری غیر از عوامل ذکر شده در پژوهش مربوط شود چرا که سهم دو متغیر نابرابری اجتماعی و اقتصادی با هم حدود ۰/۳۷ می‌باشد. نرخ بیکاری در ایران رابطه‌ی معکوس با نرخ قتل دارد به عبارت دیگر زمانی نرخ بیکاری کاهش می‌یابد، نرخ قتل افزایش می‌یابد؛ که به نظر می‌رسد سهم عوامل فرهنگی در میزان قتل باید مورد توجه قرار گیرد، همچنین کاهش بهزیستی بطور غیر مستقیم اثر معناداری بر میزان قتل دارد. بر اساس نتایج و یافته‌های تحقیق می‌توان گفت قتل تا حدودی (متوسط) تحت تأثیر نابرابری قرار دارد جهت رابطه‌ی مثبت است و بعد از آن رابطه‌ی معکوس و منفی دارد و دیگر رابطه‌ی معناداری با نابرابری ندارد.

پیشنهادات پژوهش

بروز و گسترش جرم باعث به وجود آمدن هزینه‌های کلان مادی و غیر مادی در سطح جامعه می‌شود. از جمله هزینه‌های افزایش جرم می‌تواند ایجاد ناامنی در بین افراد جامعه و هزینه‌های مادی را که صرف مبارزه با مجرم می‌شود نام برد. یکی از عوامل مؤثر بر جرم، نابرابری‌های منطقه‌ای (درون استان و بین استانی) می‌باشد که از ویژگی کشورهای جهان سوم است که ناشی از شرایط اقتصادی اجتماعی و سیاسی آنها است. در راستای کاهش جرایم در بین استان‌ها پیشنهاد می‌شود:

- ۱- سیاست‌گذاران کشور برای کاهش قتل بیش از اینکه توجه خود را به مسائل انتظامی و قضایی معطوف نمایند توجهی خود را بیشتر به بالا بردن سطح توسعه‌ی استان‌ها نمایند چرا که بالا رفتن سطح توسعه باعث کاهش قتل در بین استان‌ها می‌شود.
- ۲- تلاش برای بالا بردن کیفیت زندگی در استان‌ها با ایجاد فرصت‌های شغلی، زیرا به وجود آمدن فرصت‌های شغلی باعث بالا رفتن زندگی شهروندان ساکن استان‌ها می‌شود که این امر می‌تواند باعث کاهش مهاجرت و تبع آن کاهش جرایم شود.

۳- با توجه به اینکه در کشور ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تلاش گسترده‌ای برای نیل به توسعه شده است، اما متأسفانه این توسعه در چندین استان کشور متمرکز بوده است و بقیه‌ی استان‌ها از این توسعه محروم مانده‌اند، این امر موجب بی‌عدالتی، تبعیض و نادیده گرفتن پتانسیل‌های مختلف استان‌های کشور گردیده. در صورت داشتن توسعه‌ی متوازن در استان‌های مختلف کشور، نابرابری‌های بین استانی کاهش، زیرا از پیامدهای توسعه‌ی نامتعادل و نامتوازن کشور جرایم خشونت‌آمیز است که قتل یکی از آنان می‌باشد.

۴- پیشنهاد پژوهشی به پژوهشگران دیگر که می‌خواهند به مطالعه در زمینه‌ی جرایم خشونت‌آمیز بپردازند این است که نقش عوامل فرهنگی را نادیده نگیرند چرا که در این پژوهش جرایم خشونت‌آمیز (قتل) غیر از عوامل اجتماعی و اقتصادی تحت تأثیر عواملی دیگری بود و به نظر می‌رسید که استان‌هایی که دارای ویژگی‌های خاص فرهنگی بودند از نرخ بالای قتلی نسبت به استان‌های دیگر برخوردار بودند.

فهرست منابع:

- ابوالحسنی هستیانی، اصغر (۱۳۸۰). "بررسی اصول اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی"، مجله‌ی دین و ارتباطات، شماره‌ی ۱۳ و ۱۴.
- احمدی یعقوب و دیگران (۱۳۹۱). "شاخص‌های توسعه‌ی انسانی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک (تحلیل ثانویه‌ی داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای استان‌های ایران)"، مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۱، بهار.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی توسعه، تهران، مؤسسه‌ی نشر کلمه.
- افروغ، عماد (۱۳۷۷). فضا و نابرابری اجتماعی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- جوزف روسک و رولند وارن (۱۳۵۵). مقدمه بر جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی بهروز بندی و احمد کریمی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم و تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۰). توسعه و تضاد تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم.
- روشنفکر، پیام (۱۳۹۱). وضعیت جرم در ایران، انتشارات مؤسسه‌ی رحمان.
- زارع، بیژن و علی‌اکبر زندی لک (۱۳۹۰). "بررسی سطح توسعه‌یافتگی با میزان جرایم خشن در بین استان‌ها"، مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران، دوره‌ی ۵.
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۶). "توسعه و نابرابری"، چاپ سوم، انتشارات مازیار.
- زینل‌زاده، رضا و همکاران (۱۳۹۱). "بررسی و تعیین شاخص‌های توسعه‌ی انسانی - آموزش در استان‌های کشور"، فصلنامه‌ی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال چهارم، شماره‌ی ۲.
- سراج‌زاده، سید حسین و افروز نوربخش (۱۳۸۷). "بررسی رابطه‌ی توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی با جرم زنان در ایران"، مجله‌ی مطالعات زنان، سال ۶، شماره‌ی ۳.
- شیرزادی، رضا (۱۳۹۳). نوسازی، توسعه، جهانی‌شدن، تهران، نشر آگه، چاپ دوم.
- صادقی، حسین و همکاران (۱۳۸۴). "تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران"، تحقیقات اقتصادی، شماره‌ی ۶۸.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی اجتماعی؛ جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- گسن، ریمون (۱۳۸۵). جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه‌ی مهدی کینیا، چاپخانه‌ی علامه طباطبایی.

گیلبرت و گاگلر (۱۳۷۵). شهرها، فقر و توسعه، ترجمه‌ی پرویز کریمی و ناصری، شهرداری تهران.

محسنی‌تبریزی، علیرضا و فرزانه فرامرزی (۱۳۹۱). "نقش صنعت نفت در توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی شهر گچساران از دیدگاه شهروندان"، مجله‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره‌ی چهارم، پاییز.

محسنی‌تبریزی، علیرضا و مهدی سلیمانی (۱۳۸۹). مجله‌ی مطالعات امنیت اجتماعی، زمستان، شماره‌ی ۲۴.

مظلوم خراسانی، محمد و مژگان عظیمی هاشمی (۱۳۹۰). توسعه و نابرابری‌های اجتماعی در هند، فصلنامه‌ی مطالعات جهان، سال اول، شماره‌ی دوم، زمستان.

ویلیس، کتی (۱۳۹۳). نظریه‌ها و تجربه‌های توسعه، ترجمه‌ی حسین ایمانی جاجرمی و پیمان پور رجب، انتشارات بهمن، چاپ اول.

Anselin. Luc, (2000). Spatial Analysis of Crime, national institute of justice (nij) available at: <http://www.nij.com>. Auburn University Department of Economics Working Paper Series

Becker. G, (1968). "Crime and Punishment", Journal of Political Economy, 76(2).

David R. Bowes (2007). "A Two-Stage Model of the multaneous Relationship etween Retail Development and Crime", Economic Development Quarterly (Jan 8, 2007: 78-90).

Denis Fougère Francis Kramarz and Julien Pouget (2003). "Crime and Unemployment in France", this version: March.

Dongxu, Wu, and WU. Zhongmin (2012). "Crime, Inequality and Unemployment in England and Wales", Applied Economics, 2012, 44, 3765-3775.

Duha T. Altindag (2012), "Crime and Unemployment: Evidence from Europe", from International Review of Law and Economics 32 (2012) 145- 157.

Duha T. Altindag (2011). Crime and Unemployment: Evidence from Europe.

Eiji Y. (2009). "Formal and informal deterrents of crime in Japan: Roles of police and social capital revisited", *The Journal of Socio-Economics* 38; 611–621.

Eric Neumayer (2005). "Is Inequality really a Major Cause of Violent Crime? Evidence From a Cross-National Panel of Robbery and Violent Theft Rates Published in", *Journal of Peace Research*, 42 (1), pp. 101-112.

Fiona Carmichael, Robert Ward (2001). "Male unemployment and crime in England and Wales", *Economics Letters* 73 ,111–115.

Fougère, Denis, Julien Pouget and Francis Kramarz (2009). "Youth Unemployment and Crime in France", *Journal of the European Economic Association*, Vol. 7(5), 909–938.

Gary S. Becker (1974). *Crime and Punishment: An Economic Approach* (p. 1-54), *Essays in the Economics of Crime and Punishment*. This PDF is a selection from an out-of-print volume from the National Bureau of Economic Research.

Gaviria, Alejandro (2000). "Increasing returns and the evolution of violent crime: the case of Colombia", *University of California*, *Journal of Development Economics* Vol. 61, Issue 1, February, Pages 1–25.

Giora Rahav and Shiva Jaamdar (1982). "Development and Crime: A Cross-National Study Development and Change", *SAGE*, London and Beverly Hills, Vol. 13, 447-462.

Halvor Mehlum, Karl Moene, T, Ragnar Torvik (2005). "Crime induced poverty traps", *Journal of Development Economics* 77; 325–340.

Hector Gutierrez Rufrancos, Madeleine Power, Kate E Pickett and Richard Wilkinson (2013). "Income Inequality and Crime: A Review and Explanation of the Time-series Evidence", *Social Criminol*, Volume 1 Issue 1.

Ichiro Kawachi, Bruce P. Kennedy, Richard G. Wilkinson (1999). "Crime: social disorganization and relative deprivation", *Social Science & Medicine* 48, 719-731.

Imrohoglu, A.; A. Merlo and P. Rupert (2006). "Understanding the Determinants of Crime", *Journal of Economics and Finance*, 30(2), pp.270-284.

Isaac Ehrlich (1975). "On the Relation between Education and Crime", income, and human behavior. Publication Date: Volume Title: *Education, Income, and Human Behavior* Chapter pages in book: (p. 313-338).

Joan Hoffman (2003). "Legal responsiveness a contribution to a structural theory of economic crime", *International Journal of Social Economics* Vol. 30 No. 3, pp. 255-274.

John Arthur (1991). "Development and Crime in Africa: A Test Of Moderniz Ation Heory", *Journal of Criminal Justice* Vol. 19. pp. 499-513.

Judith R. Blau and Peter M. Blau (1982). "The Cost of Inequality: Metropolitan Structure and Violent Crime", *American Sociological Review* Vol. 47, No. 1 (Feb., 1982), pp. 114-129.

Juin-Jen Chang, Huei-ChungLu, Ping Wang (2013). "Search for a theory of organized crimes", *European Economic Review* 62; 130–153.

Junsen, Zhang (1997). "The Effect of Welfare Programs on Criminal Behavior: a Theoretical and Empirical Analysis", *Economic Inquiry*, Vol. XXXV, January, 120-137.

Juzhong Zhuang, Ravi Kanbur, and Changyong Rhee (2014). "Asian Development Bank Institute", No. 463 February 2014

Kerbo, H. R. (2003). *Social Stratification and enequality. Class Conflict in Historical.Comparative and Global Perspective*. Mc Grawhill. Fifth edition. Anselin. Luc (2000). *Spatial Analysis of Crime*, national institute of justice (nij) available at: <http://www.nij.com>.

Krishna Mazumdar (1996). "An Analysis of Causal Flow Between Social Development and Economic Growth: The Social Development Index", *American Journal of Economics and Sociology* Volume 55, Issue 3, pages 361–383, July

Lee Kangoh (2009). "Unemployment and Crime", *Econometric Society Australasian Meeting*, Department of Economics, San Diego State University [https:// editorialexpress.com/conference/ESAM09/program/ESAM09.html](https://editorialexpress.com/conference/ESAM09/program/ESAM09.html).

Luciano Mauro and Gaetano Carmeci (2007). "A Poverty Trap of Crime and Unemployment", *Review of Development Economics*, 11(3), 450-462.

Masahiro Tsushima (1996). "Economic Structure And Crime: The Case of Japan", *the Journal of Development Socio Economics* Vol. 25/No. 4.

Matthew Freedman Emily G. Owens (2011). "Low-income housing development and crime", *Journal of Urban Economics* 70 (2011) 115-131.

Michael A Jones and Mamoun F Fanek (1997). *Crime in the Urban and Environments* Texas Institute of Technology, Lubbock, United States, Space syntax First International Symposium London proceedings volume 11.

Oyebanji, J.O. (1982). "Economic Development and the Geography of Crime an Empirical Analysis", *Akademische Verlagsgesellschaft Wiesbaden GeoJournal* 6.5 453-458.

Pablo Fajnzylber, Daniel Lederman and Norman Loayza (2002). "Inequality and violent crime", *Journal of Law and Economics*, vol. XLV.

Pablo Fajnzylber, Daniel Lederman and Norman Loayza (2002). "What cause violent crime?", *European Economic Review* 46 (2002) 1323-1357.

R.I. Mawby (2014). "Exploring the relationship between crime and place in the countryside", *Journal of Rural Studies* xxx ;1-9.

Raluca-Ana-Maria Dumitru (2012). "The Relationship Between Crime Rate Unemployment and The Share of Total School Population. A Multifactorial Model", *International Journal of Criminal Investigation* Volume 2 Issue 2, 141-159.

Steven F. Messner Richard Rosenfeld (1997). "Political Restraint of the Market and Levels of Criminal Homicide: A

Cross-National Application of Institutional-Anomie Theory”, Oxford Journals Social Sciences Social Forces, 75(4): 1393-1416.

Vuji , S. N. (2009). Econometric Studies to the Economic and Social Factors of Crime; Vrije University, Amsterdam [http:// opus.bath.ac.uk](http://opus.bath.ac.uk).

W. Henry Chiu, Paul Madden (1998). “Burglary and income inequality”, Journal of Public Economics 69 (1998) 123–141.

Wu Dongxu and WU Zhongmin (2010). Crime, Inequality and Unemployment in England and Wales, Applied Economics, Editorial Office, Dept of Economics, Warwick University, Coventry CV4 7AL, UK.